

بمب‌های آمریکایی، شیعه و سنی نمی‌شناسند



در گفت‌وگو با شیخ بلال سعید شعبان، دبیر کل جنبش التوحید الاسلامی لبنان به بررسی رابطه و نسبت جریان‌های تکفیری و افراطی منطقه با نظام سلطه پرداختیم.

* همان‌طور که می‌دانید یکی از چالش‌های مهمی که امروز در دنیای اسلام شاهدیم، مسأله‌ی تکفیری‌ها است که در سوریه و نقاط مختلف جهان اسلام با آن روبه‌رو هستیم. ارزیابی شما از اندیشه‌ی تکفیری و پیشینه‌ی آن چیست؟

افراطی‌گری طرز تفکری است که در هر اندیشه و دعوتی می‌تواند ظهور کند. این اندیشه را اگر به منابع دینی عرضه کنیم، می‌بینیم در روایت شریفی آمده که سه نفر درباره‌ی چگونگی عبادت پیامبر پرسیدند که آیا نماز می‌گزارد و می‌خوابد و ازدواج می‌کند؟ و به آن‌ها پاسخ دادند که: بلی. یکی از آن‌ها گفت من روزه می‌گیرم و افطار نمی‌کنم و دیگری گفت من نیز ازدواج نمی‌کنم و سومی نیز گفت من به زنان نزدیک نمی‌شوم. هنگامی‌که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از گفته‌ی آن‌ها باخبر شد فرمود: من روزه می‌گیرم و افطار می‌کنم و می‌خوابم و با زنان ازدواج می‌کنم. هرکس از سنت من سرپیچی کند از امت من نیست. یعنی افراط و پیشی‌گرفتن از آن‌چه که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

فرموده نوعی تندروی است. این طرز تفکر از همان آغاز دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم موجود بوده است. مسئولیت دین داران واقعی و حقیقی در این زمینه و مواجهه‌ی با این طرز فکر این است که بر دین و مبانی خود ثبات داشته باشند.

پرونده: تکفیری‌ها

* در دوره‌های مختلف تاریخی شاهد افراط و تندوری بوده‌ایم، اما به نظر می‌رسد که در سال‌های اخیر به ویژه پس از آغاز موج جدید بیداری اسلامی در منطقه، شاهد موج جدیدی از جریان‌های تکفیری در جهان اسلام هستیم. آیا به نظر شما رابطه‌ای میان موج بیداری اسلامی از یک سو و فعالیت جدید جریان‌های تکفیری از سوی دیگر وجود دارد؟

ما شاهد موج بیداری در جهان عرب و اسلام هستیم و قرن ۲۱ قرن اسلام است؛ قرن که رژیم اشغالگر صهیونیستی از بین می‌رود. هنگامی که ملت‌های عرب در انقلاب خود علیه وکلای استعمار قیام کردند، برخی تلاش می‌کردند مسیر این انقلاب‌ها را منحرف کنند و آن‌چه را که بهار عربی نامیده شد به پاییزی خونبار تبدیل کنند که مردم در آن خون همدیگر را می‌ریزند تا دیگر هیچ مسلمانی نتواند در برابر صهیونیست‌ها بایستد. عده‌ای بنای خود را بر این گذاشتند که بیداری اسلامی را از مسیر درست خود منحرف کرده و آن را به یک جنگ داخلی تبدیل کنند که در آن مسلمانان همدیگر را بکشند و شرایط را به گونه‌ای ایجاد کردند که اگر شما امروز از تمام ملت‌های جهان عرب بپرسید از چه مشکلی رنج می‌برید؟ خواهند گفت از تندروی و انحراف. پس این طرز تفکر بر امت اسلام عارض شده و یک طرز تفکر اصیل نیست.

آمریکا در مصر از برخی نیروهای تندرو کمک می‌گیرد و در یمن و افغانستان آن‌ها را می‌کُشد و در مکان دیگر از آن‌ها استفاده می‌کند. پس آمریکا موضع واحدی در این زمینه ندارد و به دنبال منافع خودش است. هرکسی که در هر کشوری از کشورهای اسلامی بتواند منافع آمریکا و امنیت اسرائیل را حفظ کند، برای رسیدن به قدرت به او کمک می‌کنند؛ چه سنی باشد و چه شیعه.

* قبل از تحولات بیداری اسلامی، وزیر امور خارجه‌ی آمریکا از تشکیل «خاورمیانه‌ی جدید» سخن گفت که منظور وی، خاورمیانه‌ی جدید در جهت منافع آمریکا بود. اما پس از انقلاب مصر و تونس بسیاری از شرایط تغییر کرد و شاهد افزایش آمریکاستیزی در منطقه بودیم که شاید بتوان آن را به مثابه زلزله‌ای در منافع منطقه‌ای آمریکا نامید. اما همزمان، تکفیری‌ها در کشورهای منطقه اوج گرفتند. شما چه نسبتی بین این اتفاقات می‌بینید؟

بدون تردید پروژه‌ای تخریب و افراط، پروژه‌ای است که به مسائل منطقه و جهان مرتبط است. مردم مصر تصمیم گرفتند برای بازپس گرفتن حق خود در حکومت و نیز خارج شدن از یوغ سلطه‌ای آمریکا قیام کنند. جنبش آن‌ها برای کمک به غزه و شکستن حصر غزه بود و تمام ملت مصر در آن روز برای دفاع از خود و

موجودیت خود قیام کرد و جنبش آن‌ها به سفارت اسرائیل و بسته شدن آن هم کشیده شد. اما در این هنگام برخی تلاش کردند علیه اراده‌ی مردم کودتا کنند و خواسته‌های ملت‌های عربی مانند آزادی و تشکیل حکومت مردمی و آزادسازی قدس و فلسطین را به جنگ و درگیری‌های داخلی تبدیل کنند. یعنی این‌که برخی با پول خود تلاش کردند انقلاب مردم را از مسیر خود منحرف کنند و ما شاهد این بودیم که تمام رهبران آغازین انقلاب مصر به پارلمان راه نیافتند؛ نه به خاطر این‌که مردم آن‌ها را انتخاب نکردند، بلکه به این خاطر که برخی پول‌ها و جریان‌های منطقه اراده‌ی مردم را از یک انقلاب با هدف شکست حصر غزه به یک پروژه‌ی سیاسی و امنیتی به زیان فلسطین و غزه تبدیل کردند. این خواسته‌ی مردم مصر و ملت‌های عرب نبود بلکه برخی تلاش کردند با خشونت و افراط و خون‌ریزی، پروژه‌ی آمریکا را در منطقه محقق سازند و منافع آمریکا و امنیت اسرائیل را حفظ کنند و این خواسته‌ی حتی یک نفر در جهان عرب و اسلام نیست.

آمریکا با سلفی‌ها نیست، با اهل سنت و تشیع هم نیست. آمریکا به فکر عرب و عجم نیست. آمریکا طرفدار اسرائیل و خودش است؛ آمریکا به فکر منافع خودش است. اگر کسی حتی برای یک لحظه هم فکر کند که آمریکا کشوری است که ممکن است در کنار یک اردوگاه دیگر بایستد در اشتباه است. آمریکا یک نظام شیطان‌ی است که می‌خواهد ما را به جان هم بیندازد که البته تا اندازه‌ای هم در این راه موفق بوده است. ما برای رویارویی با آمریکا باید به ریسمان الهی جنگ بزنیم. گاهی این‌چنین به نظر می‌رسد که گویی آمریکا با اهل سنت لبنان است و می‌خواهد به آن‌ها برای تشکیل حکومت کمک کند و گاهی این‌چنین به نظر می‌رسد که آمریکا ضد اهل سنت عراق است؛ چون به زعم او آن‌ها تروریست هستند یا طرفدار شیعیان عراق است چون آن‌ها مظلوم هستند، اما همین آمریکا ضد شیعیان لبنان است. این اشتباهی فاحش است که ما فکر کنیم آمریکا به فکر آن‌ها است، زیرا اصل و مبنای چنین گمانی اشتباه است. آمریکا نمی‌تواند طرفدار شیعه یا سنی باشد. آمریکا به فکر خودش و اسرائیل و ضد تمام بشریت است. آمریکا کشوری است که بر اساس کشتار و قتل‌عام انسان‌ها بنا شده است. پایه‌های آمریکا بر خرابه‌های هیروشیما و ناکازاکی بنا شده که در این دو شهر بیش از ۱۷۵ هزار انسان بی‌گناه توسط دو بمب آمریکا به قتل رسیدند.

آمریکا کشوری است که قتل‌عام‌های زیادی را مرتکب شده و هیچ‌کس نباید گمان کند که آمریکا به فکر او است و مثلاً اهل سنت می‌توانند با تکیه بر آمریکا خود را علیه شیعه تقویت کنند یا به عکس، این یک اشتباه فاحش است. ما باید دست در دست هم بگذاریم تا خاورمیانه به دوران درخشان خود بازگردد و مسلمان و مسیحی و سنی و شیعه و یهودی در کنار هم بدون اختلاف زندگی کنند؛ همان‌گونه که خداوند

متعال در قرآن کریم فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ
وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ
أَتْقَاكُمْ» ۱

ما با هم می‌جنگیم اما بمب‌هایی که میان ما منفجر می‌شود کاری به مذهب و دین و نژاد ما ندارد. غرب ما را به عنوان مسلمان می‌شناسد و می‌خواهد ما را ریشه‌کن سازد. هنگامی که یک مسأله‌ای مذهبی را مطرح می‌کنند، فقط برای این است که به ما بگویند بفرمایید و همدیگر را بر سر این مسأله بکُشید؛ در واقع حق حیات و حکومت را برای هیچ کدام از ما قائل نیستند. * کاملاً درست است؛ اما به هر حال در شرایط کنونی، آمریکا برای رسیدن به اهداف خود در برخی کشورها از جریان‌های تکفیری حمایت می‌کند.

بله، به عنوان مثال آمریکا در مصر از برخی نیروهای تندرو کمک می‌گیرد و در یمن و افغانستان آن‌ها را می‌کشد و در مکان دیگر از آن‌ها استفاده می‌کند. پس آمریکا موضع واحدی در این زمینه ندارد و به دنبال منافع خودش است. هرکسی که در هر کشوری از کشورهای اسلامی بتواند منافع آمریکا و امنیت اسرائیل را حفظ کند، برای رسیدن به قدرت به او کمک می‌کنند؛ چه سنی باشد و چه شیعه. آمریکا، عرب و فارس و کُرد و ترک را برای منافع خود می‌کُشد و همان‌طور که اشاره کردید این مسأله یعنی حمایت آمریکا از تکفیری‌ها برای دستیابی به اهدافشان یک رسوایی بین‌المللی است.

امروز استعمار به دنبال رواج عناوین اختلاف‌انگیز است که متأسفانه برخی شبکه‌های ماهواره‌ای شیعه و سنی نیز این تفکر را ترویج می‌کنند و به آن دامن می‌زنند. چه کسی است که به مردم القا کرده که در لبنان بحران است؟ بدون شک یک جریان سیاسی معین است که این را القا می‌کند. چه کسی مردم را در مصر و لیبی و عراق و سوریه تحریک می‌کند؟ همان رسانه‌های منطقه‌ای وابسته به آمریکا هستند که جنگ مذهبی را ترویج می‌کنند و به دنبال تحریک احساسات مذهبی و طایفه‌ای و حزبی هستند تا مردم را به جان هم بیندازند. حاصل آن چیست؟ حاصل همان است که کسینجر به آن اشاره کرد و از جنگ صدساله میان شیعه و سنی سخن گفت. ما بر سر چه این‌قدر با هم اختلاف داریم و می‌جنگیم؟ بر سر جمهوری کره‌ای زمین؟ ما با هم می‌جنگیم اما بمب‌هایی که میان ما منفجر می‌شود کاری به مذهب و دین و نژاد ما ندارد. بمب‌های آمریکا در افغانستان شیعه و سنی را با هم کشت. وقت آن رسیده ما بیدار شویم. غرب کاری به شیعه و سنی بودن ما ندارد. غرب ما را به عنوان مسلمان می‌شناسد و می‌خواهد ما را ریشه‌کن سازد و از بین ببرد. هنگامی که یک مسأله‌ای مذهبی را مطرح می‌کنند، فقط برای این است که به ما بگویند بفرمایید و همدیگر را بر سر این مسأله بکُشید؛ اما در واقع حق حیات و حکومت و برخورداری از ثروت و نفت را برای هیچ کدام از ما قائل نیستند. در همین راستا است که اسرائیل چهار میلیونی را بر مسلمانان یک میلیارد و هفتصد میلیون نفری ترجیح می‌دهند.

پی‌نوشت:

۱. بخشی از آیه ۱۳ سوره مبارکه ای حرات: ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملّت ملّت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست.